



شکل گرفتن حسینیّه جوادالائمه (ع) در کوچه موحدین
حاصل چشم پوشی حاج اصغر نظافت از سود دنیوی بود

ماجرای خوابی که دنیا را به آخرت فروخت

۵۴



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

خانواده محمدزاده، با گذشت ۴ دهه
همچنان پرچم روضه خانگی را در محله ایثارگران
روشن نگه داشته است

چراغ روشن روضه به برکت ۳ نسل

۶



اجرای روکش آسفالت در منطقه یک

۲ بدون در نظر گرفتن شیب بندی، برخی خانه ها
را در معرض آب گرفتگی قرار داده است
اصلاح معابر یا خرابی کوچه ها؟

۷ انسیه حیدرزاده هر سال با راه اندازی کاروان
تجربه های شخصی خود از پیاده روی اربعین
را با زائران سهیم می شود
حلاوت خدمت در جاده های کربلا



اجرای روکش آسفالت در منطقه یک بدون در نظر گرفتن شیب بندی، برخی خانه ها را در معرض آب گرفتگی قرار داده است

اصلاح معابر یا خرابی کوچه ها؟

صفائی اباران که تند می شود. برای بخشی از ساکنان کوچه های بن بست منطقه یک، تماشای بارش از پشت پنجره، جای خود را به تکاپو برای جلوگیری از ورود آب به خانه ها می دهد. آن هائی که کوچه های روکش آسفالت معبرهای اصلی در محدوده های بولوار رضا، ابوذر غفاری، سناباد، صاحب الزمان (عج) و... از آبان سال گذشته تا کنون، رفت و آمد را آسان تر کرده. اما سطح خیابان راتاحدی بالا آورده است. حالا آب های سطحی بارندگی راهشان را به سمت کوچه های بن بست پیدا می کنند؛ کوچه هایی که در بارندگی های شدید، در معرض آب گرفتگی قرار می گیرند. رسیدگی به این مشکل در سامانه ارتباطات مردمی ۱۳۷ مرداد ماه با شهردار منطقه یک مطرح شد و حالا شهرداری محل پیگیر اقدامات شهرداری برای رفع آن شده است.



● مشکل جدید برای معابر بن بست

احمد مرتضوی، ساکن بن بست رضای ۳۳، با بیان اینکه ما با اصل آسفالت کاری مخالف نیستیم، می گوید: بسیاری از معبرها پیش از این به دلیل فرسودگی، نیاز به روکش داشتند. اما در اجرای پروژه باید وضعیت شیب بندی و هدایت آب های سطحی در معابر بن بست هم در نظر گرفته می شد.

او ادامه می دهد: از وقتی کوچه ما را آسفالت کرده اند، معبر اصلی وضعیت خوبی پیدا کرده است. اما ما که در کوچه بن بست ساکن هستیم، مشکل آب گرفتگی داریم. به گفته او، افزایش سطح خیابان نسبت به کوچه های اطراف، هنگام بارندگی در دسترس می شود. زیرا آب به سمت نقاط پایین تر حرکت می کند. می گوید کوچه های ما مسیر خروج مناسب ندارند و آب در آن می ماند.

● آسیب دیدن خانه های قدیمی

این مشکل در کوچه صاحب الزمان (عج) ۶ برای اهالی به تجربه ای تکراری تبدیل شده است. محسن دلاور، از کسبه خیابان صاحب الزمان (عج)، از روزهایی می گوید که بارندگی های رگباری در دسرافرین می شوند؛ وقتی باران شدید می بارد، باید سطل به دست مراقب باشیم آب را به بیرون کوچه هدایت کنیم. اگر این کار را نکنیم، خانه های همسایه ها را آب می گیرد.

نگرانی اهالی فقط دشواری تردد نیست. آن ها از ورود آب به خانه ها و حیاطشان می گویند؛ اتفاقی که به ویژه برای خانه های قدیمی تر و واحدهایی که کف آن ها پایین تر از سطح کوچه است، خسارت بار خواهد بود.

میترا اسکندری، از ساکنان محله سناباد، با گلایه از این اوضاع می گوید: رفع آب گرفتگی نباید به بعد از وقوع بارندگی های شدید موکول شود.

● وعده اصلاح؛ در انتظار اعتبار

برای پیگیری این دغدغه ها به سراغ رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه یک رفتیم. او ضمن تأیید مشکلات مطرح شده در خیابان های بن بست، توضیح می دهد که این مشکلات از دید شهرداری پنهان نمانده است.

حجت نراقی می گوید: این موارد باید در قالب لکه گیری آسفالت و اصلاح شیب بندی انجام شود، اما هنوز اعتبار لازم برای اجرای

این لکه گیری ها باز نشده و به همین دلیل کار باقی مانده است. وی در پاسخ به اینکه شهروندان تا کی باید منتظر بمانند، توضیح می دهد: پس از تأمین اعتبار، این عملیات انجام خواهد شد. شهرداری این مشکلات را در فهرست بررسی های خود قرار داده است. اگر اعتبار باز شود و امکان عقد قرارداد فراهم شود، بلافاصله کار عملیاتی خواهد شد.

افزایش سطح خیابان نسبت به کوچه های اطراف، هنگام بارندگی در دسترس می شود. زیرا آب به سمت نقاط پایین تر حرکت می کند. کوچه های ما مسیر خروج مناسب ندارند و آب در آن می ماند



راهکارهایی برای سلامت

کارگاه آموزشی پیشگیری از سرطان با حضور رابطان مرکز خدمات جامع سلامت مرکز شهید قدسی در محله فلسطین برگزار شد. در این نشست، کارشناس بهداشت محیط، با محوریت مطالب کتاب «پیشگیری از سرطان ها» به بیان راهکارهای کاهش عوامل خطر، اهمیت سبک زندگی سالم و نقش تغذیه و پیشگیری در حفظ سلامت پرداخت.

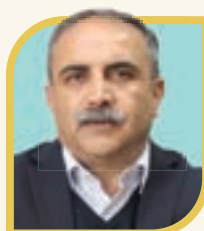


ایستگاه عفاف و حجاب در بوستان بخارایی

غرفه های ترویج فرهنگ عفاف و حجاب با همکاری حوزه یک حضرت فاطمه (س) و مشارکت بسیجیان پایگاه شهید بهشتی در بوستان بخارایی، کنار برج سلمان در محله راهنمایی برپا شد. این غرفه ها با هدف گفت و گو و ارتباط مستقیم با شهروندان، خدماتی همچون مشاوره، پاسخگویی به پرسش ها و عرضه کتاب با موضوع عفاف و حجاب ارائه می کنند.

اردویی متفاوت در حرم مطهر رضوی

بانوان بسیجی و کودکان برتر گروه «کتاب خوان های شگفت انگیز» مسجد قائم (عج) محله کوی دکتري در قالب اردویی علمی و فرهنگی، راهی حرم مطهر رضوی شدند. در این برنامه، هجده نفر از شرکت کنندگان ضمن تشریف به حرم، در پاتوق کتاب صحن قدس به مطالعه کتاب پرداختند.



شهردار منطقه یک درباره رفع نواقص شهری در منطقه می گوید

بهسازی مسیرها برای رفاه شهروندان

صفائی اچند نقطه از معابر منطقه یک مشهد این روزها با اجرای طرح های عمرانی، چهره ای ایمن تر و مناسب تر برای تردد شهروندان پیدا کرده اند. شهردار منطقه یک با اشاره به اجرای طرح های عمرانی در تیرماه می گوید: این اقدامات برای بهبود کیفیت معابر، رفع نواقص شهری و پاسخگویی به نیازهای ساکنان محلات انجام شده است. محمود برهانی با اشاره به اجرای عملیات جدول گذاری در خیابان کلاهدوز ۴۴ توضیح می دهد: این پروژه با هدف رفع آب گرفتگی و هدایت بهتر آب های سطحی اجرا شده است تا عبور و مرور شهروندان، به ویژه در روزهای بارندگی، با سهولت بیشتری انجام شود.

وی می افزاید: هم زمان، عملیات لکه گیری و ترمیم آسفالت در محدوده های مجد ۲۸، خیام ۱۲ و آبکوه برای رفع آسیب های سطح معابر و افزایش ایمنی تردد انجام شده است. همچنین در بولوار ابن سینا، حدفاصل خیابان های ۴ تا ۶۱، نرده جدید نصب شده است و در تقاطع بولوار رضا و خیابان بعثت نیز بولاردهای ترافیکی برای سامان دهی حرکت خودروها و ارتقای ایمنی مسیرها جانمایی شده اند. شهردار منطقه یک می گوید: این اقدامات بخشی از برنامه مستمر شهرداری برای نگهداری زیرساخت های شهری، ارتقای کیفیت خدمات و فراهم کردن محیطی ایمن تر و مطلوب تر برای شهروندان است.

همسایه به همسایه، دیدار ششم، توس ۵۳، مجتمع یاس

کار همسایه ها روی زمین نمی ماند

صدرا در بسیاری از مجتمع های مسکونی، همسایه ها شاید سال ها کنار هم زندگی کنند، اما شناخت چندانی از یکدیگر نداشته باشند. اما در مجتمع یاس ماجرا متفاوت است، چون مسجد رسول اکرم (ص) قلب تپنده محله به شمار می رود و پیوند دهنده اهالی است. بسیاری از ساکنان نخستین بار همین جاباهم آشنا شده اند و همین زمینه ساز دوستی، همکاری و شکل گیری فعالیت های فرهنگی، اجتماعی و خیرخواهانه شان شده است. سه بانوی این مجتمع نمونه ای از این همدلی هستند و هر کدام به شیوه خودش تکیه گاه بقیه همسایه ها است.

○ ● خستگی ناپذیر برای همسایه ها

نرگس کدخدایی که بیشتر همسایه ها و هم محل های او را به نام همسرش «نوربان» می شناسند، مسئول سازندگی و محرومیت زدایی از محله است. بسیاری از فعالیت های جهادی مجتمع با پیگیری او شکل گرفته است و کمترین کسی را می توان پیدا کرد که برای رفع مشکلش سراغ او نرفته باشد.

نرگس خانم در این سال ها توانسته است سالن ورزشی مسجد را راه اندازی کند. دیوار مهربانی را کنار منزلش برپا کرده و در اجرای برنامه های خیرخواهانه نقش پررنگی داشته است. او می گوید: همه این فعالیت ها را مدیون همسرم هستم که حامی من بوده است. علاوه بر این، هیئت امنا و امام جماعت مسجد هم کمک کرده اند تا کاری روی زمین نماند و به سرانجام برسد.

همسایه ها پشتکار، صبر و روحیه خستگی ناپذیرش را تحسین می کنند و معتقدند او برای اهالی و همسایه های مجتمع مثل خواهر است؛ خواهی دلسوز که هر وقت کسی مشکل دارد، اول سراغ او می روند. او می گوید: دوست دارم همه آن هایی که کنارم زندگی می کنند، خوش حال باشند.



همسایه
به
همسایه



○ ● نگران نان شب همسایه

نرگس خانم، بی بی خدیجه جک دوست، همسایه طبقه بالا، را معرفی می کند که روبه روی مسجد سوپرمارد. آشنایی بی بی خدیجه با نرگس خانم از برنامه های ورزشی مسجد آغاز شده و مسیر فعالیت های خیرخواهانه شان را به هم گره زده است. او می گوید: اعتماد مردم بزرگ ترین سرمایه زندگی ام است. در این سال ها که در این محدوده با همسرم مغازه داشتیم، بیش از دوست خانواده نیازمند راهنمایی و به نرگس خانم معرفی کردم. بی بی خدیجه در توزیع بسته های معیشتی و همچنین توزیع نان در ماه مبارک رمضان بین خانواده های نیازمند با کمک خیران هم فعال است. او برای خانواده هایی که توان مالی کمتری دارند، بسیاری از کالاها را بدون سود و با قیمت خرید در اختیارشان می گذارد. همسایه ها می گویند دغدغه او این است که هیچ خانواده ای در محله با نگرانی نان شب سر بر بالین نگذارد. راز دار بودنش باعث شده است همسایه ها بدون نگرانی مشکلات و درد دل هایشان را با او در میان بگذارند.

○ ● پیش قدم در کمک رسانی

بی بی خدیجه، کبری حسینیان را معرفی می کند که در برگزاری مراسم ها و در برنامه های اجتماعی و مذهبی مجتمع فعال است. همسرش، محمد حسن محمدیان، سال ها عضو هیئت امنای مسجد بوده است و امروز نیز در کنار دیگر خادمان در مسجد فعالیت می کند. کبری خانم با کمک یکی دیگر از همسایه ها جلسات آموزش و قرائت قرآن را در مجتمع راه انداخته است و مسئولیت برگزاری آن را بر عهده دارد. علاوه بر این هر هفته هماهنگی های لازم برای زیارت حرم مطهر رضوی را هم بر عهده گرفته است. او می گوید: رمز همدلی همسایه ها در این مجتمع همین مسجد است. بانوان اینجا برای انجام کارها منتظر دعوت نمی مانند و هر زمان احساس کنند کاری بر زمین مانده است، خودشان پیش قدم می شوند. در مناسبت ها و مراسم مذهبی یکی پخت غذا را تقبل می کند و دیگری مواد اولیه را با کمک اهالی تأمین می کند. اینجا همه کنار هم و با مشورت یکدیگر کارها را جلو می ببریم.



ایمنی بیشتر برای عابران پیاده و خودروها

معابر منطقه ۲ با اجرای مجموعه ای از طرح های ترافیکی، ایمن تر و منظم تر شد. به گفته معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۲، در فصل بهار امسال ۱۰۶۰ مترمربع سرعت گیر آسفالتی در نقاط مختلف منطقه اجرا شده است تا ایمنی تردد خودروها و عابران پیاده افزایش یابد. امین تفضلی با اشاره به دیگر اقدامات انجام شده در منطقه، می گوید: ۲۶۶ مترمربع خط کشی عرضی در معابر اجرا و یک هزار تابلو و تجهیزات ترافیکی نیز نصب شده است. همچنین برای رسیدگی به مطالبات شهروندان، پنجاه بازدید میدانی از درخواست های ترافیکی انجام شده و ۱۰۹ پرونده مربوط به هیئت پارکینگ مورد بررسی قرار گرفته است.

شهر خبر



خیابان نجف شناسنامه گرفت

تابلوهای نام گذاری معابر خیابان توس ۶۵ که با نام «نجف» شناخته می شود، به طور کامل نصب شد. این اقدام با هدف سامان دهی معابر، تسهیل آدرس یابی شهروندان و خدمات رسانی بهتر به ساکنان و مراجعه کنندگان انجام شده است. با تکمیل تابلوگذاری این خیابان، دسترسی آسان تر به معابر و افزایش نظم و هویت بخشی به فضای محله فراهم شده است.

صفائی اسه ماهه نخست امسال معابر منطقه ۲ با اجرای مجموعه ای از پروژه های عمرانی و بهسازی همراه بود. شهردار منطقه با اعلام این خبر می گوید: در این مدت ۲ هزار و ۱۸۴ مترطول جدول و کانال فرسوده اصلاح و تعویض و ۴ هزار و ۶۲۲ مترمربع پیاده رو نیز احداث شد. همچنین ۵۲۸ مترمربع از پیاده روهای موجود مرمت شد. حسین بنایی منش می افزاید: اجرای پل ورودی، جویچه عرضی، قاشقی و کانال گذاری در نقاط مختلف منطقه از دیگر اقدامات عمرانی این مدت بوده و عملیات لکه گیری و ترمیم آسفالت نیز در سطح ۳ هزار و ۸۰۰ مترمربع انجام شده است. علاوه بر این، بیش از ۹۸ هزار مترمربع از معابر موجود و خاکی روکش آسفالت شده است.

وی همچنین از نظارت بر اجرای پروژه های عمرانی به طول ۸۶ هزار و ۷۱۸ متر و صدور ۴۶۲ مجوز انشعاب شخصی خبر داد و گفت این اقدامات با هدف بهبود کیفیت معابر و افزایش رضایت شهروندان انجام شده است.



شهردار منطقه ۲
از فعالیت های این منطقه
در حوزه عمرانی در فصل بهار خبر داد

معابر، زیر ذره بین
نوسازی

شکل گرفتن حسینیۀ جواد الائمه^(ع) در کوچه موحدین
حاصل چشم پوشی حاج اصغر نظافت از سود دنیوی بود

۲



داستان جلد

ماجرای خوابی که دنیا را به آخرت فروخت

حمیده صفائی هنوز سه چهار روز تا آخر ماه صفر مانده است. زمین محصور کنار حسینیۀ جواد الائمه^(ع) آرام به نظر می رسد. داریست ها بسته شده اند، پارچه های خیمه آماده نصب هستند و دستگاه های پخت نان هنوز به اینجا نرسیده است، اما همه بسیج شده اند تا گوشت ها را چرخ کنند و برای سه روز آخر صفر آماده شوند. اگر کسی امروز از کنار حسینیۀ جواد الائمه^(ع) در کوچه موحدین یک عبور کند، شاید باورش نشود که تا چند روز دیگر اینجا به یکی از موب های شلوغ مسیر عزاداران امام رضا^(ع) تبدیل می شود؛ جایی که از یک سو صدای روضه و سینه زنی به گوش می رسد و از سوی دیگر آتش منقل های بزرگ برای پخت کباب آماده می شود. ریشه این اتفاقات به نذری برمی گردد که ده ها پیش یک فرش فروش قدیمی در محله آیت... عبادی برای امام جواد^(ع) نیت کرد؛ نذری که قسمتی از خانه حاج اصغر نظافت را به حسینیۀ ای مردمی تبدیل کرد.

ناگفته نماند حال و هوای این روزهای حسینیۀ با سال های قبل کمی فرق دارد. حاجی که بسیاری او را با نام حسینیۀ جواد الائمه^(ع) و کارهای خیرش می شناسند، این روزها به دلیل کسالتی که دارد، کمتر میان خادمان دیده می شود. بیماری اش اجازه نداد روبه رویش بنشینیم و از سال های نوکری اش برای اهل بیت^(ع) بشنویم. اما نبودش در هیاهوی کارها چراغ هینت را خاموش نکرده است. انگار سال ها پیش وقتی تصمیم گرفت این خانه را وقف امام جواد^(ع) کند، راهی را آغاز کرد که وابسته به یک نفر نباشد.



قبل از ساخت حسینیۀ فعلی





تخفیف اجاره، به شرط اقامه نماز

امروز دیگر حسینیّه جواد الائمه^(ع) فقط محل برگزاری چند مراسم مذهبی نیست. در طول سال علاوه بر برگزاری نماز جماعت ظهر و مغرب، دعای کمیل، دعای توسل، کلاس های قرآن و ویژه کودکان و نوجوانان، جلسات مباحثه و ویژه طلاب، برنامه های ماه مبارک رمضان و مراسم محرم و صفر یکی پس از دیگری در اینجا برگزار می شود. به گفته آقامهدی از ۳۶۵ روز سال ۲۵۰ روز این حسینیّه میزبان برنامه های مذهبی و فرهنگی است. آقامهدی می خندد و می گوید: پدر در این کوچه و کوچه نور تعدادی مغازه دارد که به اجاره داده است. اوایل که حسینیّه افتتاح شده بود، اعلام کرد هر کدام برای نماز بیایید، از اجاره کم می کنم. گاهی تا یک میلیون تومان اجاره مغازه کم می شد. کم کم برگزاری نمازهای یومیه برای کسبه جا افتاد. معماری این حسینیّه سبک و سیاق خودش را دارد. حسن قنایزچی، مهندس این ساختمان، داخل آن را با آجرهای قدیمی درست کرده است. در فضای داخلی چهارده محراب جانمایی شده و داخل هر کدام نام یکی از چهارده معصوم^(ع) نصب شده است. سقف حسینیّه مانند خیمه درست شده است؛ با کتیبه هایی که دست نویس است و از اصفهان آورده اند. یکی از کتیبه ها زیارت عاشورا است و روی کتیبه دیگر نام ۷۲ نوشته شده است. هر سال سقف موبک را هم مانند داخل حسینیّه درست می کنند.

ماجرای نذری دهه آخر صفر

اوایل مراسم شهادت امام جواد^(ع) و اربعین به صورت سالانه برگزار می شد. یک اتفاق سبب شد خانواده نظافت در سه روز آخر صفر هم میزبان زائران و مجاوران باشند. آقامهدی به این خاطره که می رسد، می خندد و می گوید: سال دقیقش را به خاطر ندارم، اما سال ۱۳۸۲ که صدام سقوط کرد، به دعوت یکی از دوستانم برای پیاده روی اربعین رفتیم. آن موقع مثل الان نبود، تعداد ایرانی ها خیلی کم بود. نذری هایی که عراقی ها این راه می دادند، برایمان جالب بود. بعد که به ایران آمدیم، روز شهادت امام رضا^(ع) با خودمان گفتیم چرا ما کاری برای زائران پیاده نکنیم، بابا درانم یک کارتن تخم مرغ گرفتیم. پشت یک وانت کپسولی گذاشتیم و تند تند تخم مرغ ها را نیمرو می کردیم. از ناوایی دور میدان توحید (شهید آیت...) رئیس (ن)ان می خریدیم و ساندویچ درست می کردیم و به مردم می دادیم. این قدر این کار حس خوبی داشت که یک کارتن تخم مرغ به هشت کارتن رسید. اوادامه می دهد: سال بعد با مشورت برادرانم ۲۳ کیلو گوشت گرفتیم و دور میدان کباب درست کردیم و ساندویچ کباب دادیم. کم کم با حضور خیران مقدار گوشت بیشتر شد و جمعیت بیشتری می آمدند. برای اینکه مسیر مردم بسته نشود، زمین محصور کنار حسینیّه را که مال پدر است، با داربست موبک درست می کنیم. علم می آوریم و علاوه بر برگزاری مراسم عزاداری نذری هم می دهیم. هیچ وقت فکر نمی کردیم ۲۳ کیلو گوشت به همت خیران بیش از پنج تن گوشت شود. به لطف امام جواد^(ع) در سه روز پایانی صفر حدود ۷۰ هزار سیخ کباب آماده می کنیم. آقامهدی همان طور که محوطه موبک کنار حسینیّه را نشان می دهد، می گوید: حدود ۱۵۰ خادم، روزها و شب های منتهی به آخر صفر را کنار هم می گذرانند. برای هر بخش، گروهی مسئولیت دارد؛ عده ای گوشت ها را آماده می کنند، گروهی ساعت ها مشغول سیخ گرفتن هستند، چند نفر آتش منقل ها را روشن می کنند. نانواها نان داغ می پزند، جوان ترها ساندویچ ها را آماده می کنند و گروهی دیگر، بی وقفه میان زائران رفت و آمد دارند تا کسی دست خالی از موبک بیرون نرود. جالب اینجاست که در این جمع، کمتر می توان فهمید چه کسی مسئول است و چه کسی تازه آمده. آقامهدی توضیح می دهد: اینجا رئیس و مرنوس نداریم. هر کاری روی زمین بماند، هر کس نزدیک تر باشد، انجامش می دهد. همین رو حیه، سال هاست موبک را سرپانگه داشته است. از نوجوانانی که تازه وارد جمع خادمان شده اند، تا پیرمرد هایی که دیگر توان ایستادن طولانی ندارند، هر کدام به اندازه توانشان سهمی در این سفره دارند.

بزرگ شده پای هیئت

در ورودی حسینیّه باز است. جوان ها در رفت و آمدند. یکی سراغ سیستم صوت را می گیرد، دیگری درباره نصب پرده ها صحبت می کند و چند نفر هم مشغول هماهنگی برنامه های روزهای آینده هستند. اینجا بیشتر جوانان فعالیت دارند و کمک می کنند. میان این رفت و آمدها متین نظافت، یکی از نوه های حاج اصغر، بیشتر از همه به چشم می آید؛ جوانی بیست و دو ساله که از کودکی در همین حسینیّه بزرگ شده است و حالا مسئولیت بخش رسانه و صوت را بر عهده دارد. او می گوید: به واسطه پدر بزرگم و مراسم هایی که برگزار می کرد، تقریباً از وقتی یادم می آید، در بین هیئت ها بوده ام. مانوه ها کنار بزرگ ترها می ایستادیم و به کارهایشان نگاه می کردیم. حالا که بزرگ تر شده ایم، هر کدام کاری دستان گرفته ایم.

آغاز قصه کجا بود؟

حسینیّه موقوفه حاجی است. می خواهیم بدانیم قصه وقف آن از کجا شروع شده است. پاسخ این سؤال را مهدی نظافت، پسر چهارم خانواده، می دهد. او وقتی از گذشته حرف می زند، در واقع ماجرای سال های دهه ۷۰ را برای ما می گوید؛ وقتی خودش هشت نه ساله بود؛ روز هایی که از حسینیّه جواد الائمه^(ع) خبری نبود و او دوستانش در حسینیّه پناهندگان حضرت ابوالفضل^(ع) در جوار حاج جعفر رضوانی در مراسم هیئت شرکت می کردند. بچه های محله راه و رسم هیئت داری را از همان کودکی یاد گرفته بودند. آقامهدی ادامه می دهد: پدرم فرش فروش بود و مغازه اش در همین خیابان موحدین یک. او هر سال در دهه دوم صفر فرش ها را جمع می کرد و مراسم هیئت را برگزار می کرد و روز اربعین عزاداران از همین جابرای زیارت به حرم می رفتند. او به نقل از خاطرات پدرش تعریف می کند: اوایل سال ۱۳۶۰ پدر زمین هشتصد متری را حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می خرد. آن زمان رقم زیادی بود. پدر نیت می کند اگر معامله انجام شود پولش را بدهد، به نیت امام جواد^(ع) روضه ای برگزار کند. معامله انجام می شود و پدرم این ملک را می خرد. پیش از هر کاری خمس آن را پرداخت می کند و سفره ای به نیت امام جواد^(ع) می اندازد تا نذرش را بگذارد. این سفره ماندگاری می شود و هر سال شب شهادت امام جواد^(ع) شله می دهد.

نیت خیر به سود پیشی گرفت

دراوا خرد دهه ۹۰ خانواده نظافت تصمیم می گیرند مغازه فرش فروشی را که مکان برگزاری مراسم هیئت در روزهای نزدیک به اربعین شده بود، مجتمع تجاری درست کنند. آقامهدی تعریف می کند: همه کارهایش را انجام دادیم و پروانه ساخت مجتمع تجاری را گرفتیم. قرار بود طبقه زیر زمین استخر و سونا، طبقه همکف مغازه های تجاری، طبقه اول سوئیت آپارتمان و طبقه دوم خانه ای برای حاج آقا ربه حرم بسازیم. اما خواب پدر همه حساب و کتاب ها را تغییر داد. او ادامه می دهد: پدرم در مغازه یک ساعتی خوابش برد. باهراس بیدار شد و گفت بروید و بگوئید حاج آقای خباز و حاج آقای برادران، از دوستان نزدیکش، بیایند. ما را از مغازه بیرون فرستاد و خوابش را برای آن ها تعریف کرد؛ خوابی که خواسته بود تا روز زنده بودنش جایی مطرح نشود. ما فقط صدای گریه پدر و دوستانش را می شنیدیم؛ صدایی که بار و روضه خوانی همراه بود. وقتی وارد مغازه شدیم، پدر یک حرف زد؛ به جای مجتمع تجاری در این ملک حسینیّه جواد الائمه^(ع) می سازیم. تصمیم پدر قطعی بود. طاهره ملک پور، همسر حاج اصغر که تا این لحظه به حرف های پسرش گوش می داد و آن ها را تأیید می کرد، آن روزها را به خوبی در خاطر دارد. او می گوید: ته دلم به این امر راضی بود. اما اولین چیزی که به ذهنم رسید، بچه ها بودند. به حاج آقا گفتیم بنشین مرد، بچه ها هم حق دارند. حاجی با شنیدن حرف من، پنج پسر و تک دخترمان را جمع کرد و گفت می خواهم دو بیست متر از زمین را وقف حسینیّه کنم. بچه ها پاسخ دادند: بابا اختیار مال خودت را داری. طاهره خانم ادامه می دهد: وقتی دیدم همه بچه ها راضی هستند، خیالم راحت شد. همان روز نماز شکر خواندم. احساس کردم خدا این افتخار را نصیبمان کرده است. برای همه عجیب بود. آن همه دوندگی و هزینه برای گرفتن پروانه ساخت مجتمع تجاری یک باره با یک خواب تبدیل به حسینیّه شد؛ حسینیّه ای که امروز چهار طبقه دارد. زیر زمین آن آشپزخانه شده، طبقه همکف قسمت برادران، طبقه اول قسمت خواهران و طبقه دوم برای برنامه های جانبی حسینیّه است. مهدی نظافت می گوید: در همه سال های ساخت، پدرم یک جمله را بیشتر تکرار می کرد: مهم نیت است؛ اگر نیت خالص باشد، خدا خودش راه را باز می کند. با همین تفکر پدر حسینیّه خیلی زود ساخته شد.

خانواده محمدزاده، با گذشت ۴ دهه، همچنان پرچم روضه خانگی را در محله ایثارگران روشن نگه داشته است

چراغ روشن روضه به برکت ۳ نسل

راه تجربه

مادرانی دارند که می خواهند با خیال آسوده پای منبر بنشینند. ۴۲ سال است که این خانه در دهه سوم محرم و روز شهادت امام رضا^(ع) به کانون روضه و توسل در محله تبدیل شده است؛ میراثی که حالا از یک نذر خانوادگی فراتر رفته و سه نسل را برای حفظ این سنت حسنه کنار هم جمع کرده است.

خانواده جایگاه روضه خوان را مشخص می کنند و با وسواس، وسایل پذیرایی و فضای حیاط را برای میزبانی از همسایه ها آماده می کنند. در اتاقی دیگر، نوه ها مشغول مرتب کردن کتاب ها و اسباب بازی ها هستند تا فضای بازی هم سالان نشان را مهیا کنند؛ پیش بینی ای که نشان از عمق مهمان نوازی و تدبیر این خانواده برای راحتی

صدرا چند روز تا سالروز شهادت امام رضا^(ع) باقی مانده است و خانه زهرا محمدزاده در محله ایثارگران حال و هوای متفاوتی دارد. این روزها در خانه آن ها تکاپوی عجیبی برای برپایی مجلس روضه به پا شده؛ حیاط را با دقت فرش کرده اند و دیوارها یکی یکی با پرچم های سیاه عزامین می شود. دخترها و عروس های

ریشه های یک سنت

زهرا محمدزاده ۶۵ سال دارد و اصلتش به روستای دولویی گناباد می رسد. او و همسرش، حسن محمدزاده، سال ۱۳۵۸ پس از ازدواج به مشهد آمدند و در محله ایثارگران ساکن شدند. آن ها دخترعمو و پسرعمو هستند و هر دو از کودکی در فضای هیئت و روضه بزرگ شده اند. زهرا خانم می گوید: پدرهایمان هر دو هیئتی بودند و پدر بزرگمان روحانی روستا بود. در خانه همیشه جلسه قرآن برگزار می شد و پدر، عمو و پدر بزرگ مسئولیت هیئت روستا را بر عهده داشتند. هنوز هم هر سال تاسوعا و عاشورا برای مراسم به گناباد می رویم و خانوادگی به عزاداران خدمت می کنیم. او هنگام آماده کردن نذری، از روزهای نخست شکل گیری این مجلس می گوید: سال ۱۳۶۱ محله هنوز شکل امروزی را نداشت. نه آسفالتی بودند و نه امکانات شهری. فقط نوزده خانواده اینجا زندگی می کردند. یکی از همسایه ها دهه اول محرم روضه داشت، سال بعد خانه اش را فروخت و رفت. وقتی دیدم دیگر در محله مجلسی برگزار نمی شود، با همسر صبحت کردم و تصمیم گرفتیم پنج روز اول محرم در خانه خودمان روضه بگیریم.

به جای سفر، به حرم رفتیم

سال بعد، چند روز مانده به محرم، حسن آقا از سفر حج بازمی گردد. پس از پایان دید و بازدیدها، مادر زهرا خانم از او می خواهد برای دهه اول محرم به گناباد بروند. همه وسایل سفر آماده می شود، اما شب پیش از حرکت، خوابی می بیند که همه چیز تغییر می دهد. زهرا خانم می گوید: در خواب دیدم دو جوان با پرچمی بزرگ وارد خانه شدند. روی پرچم نوشته بود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُهُ الْكَافَّةُ». پرچم را به دیوار نصب کردند. وقتی علت حضورشان را پرسیدم، گفتند: هر سال در این خانه روضه امام حسین^(ع) برگزار می شود. صبح که بیدار شدم، به جای سفر، به حرم امام رضا^(ع) رفتم. از اطراف حرم چند پرچم مشکی و مفاتیح خریدم و تصمیم گرفتم روضه را ادامه دهم.



عکس: امیر میثاق صدرشهرآرا

می گوید: ارادت به اهل بیت^(ع) را از پدر و مادرم یاد گرفتم و حالا تلاش می کنم همین فرهنگ را به فرزندانم منتقل کنم. او تصمیم مهمی هم گرفته است و می گوید: اگر خدا بخواهد از سال آینده پنج روز روضه را در خانه خودم هم برگزار می کنم تا این راه ادامه پیدا کند. البته این مراسم در کنار روضه مادر است و خدمت در این خانه را هیچ وقت ترک نمی کنم.

خدمت، رسم خانوادگی

فهیمة رنجبر بیش از بیست سال است عروس این خانواده شده است. او پیش از ازدواج نیز در همین مجلس کنار دخترخاله هایش خدمت کرده است. هنگام پذیرایی از مهمان ها می گوید: اگر پدر و مادر با عشق در این مسیر قدم بردارند، فرزندان هم همان راه را ادامه می دهند. پسر خودم هر روز چند ساعت پیش از مراسم برای پهن کردن فرش ها می آید و دخترم هم کنار من از مهمان ها پذیرایی می کند. همسرم هرکاری که پدر و مادرم داشته باشند، برای آن ها انجام می دهد.

در این خانه، خدمت به عزاداران محدود به بزرگ ترهانیست. مبینا، نوه بیست ساله خانواده، در کنار مادرش فهیمة خانم چای تعارف می کند و می گوید: خدمت به عزاداران برایم افتخار است. بهترین دوستانم را در همین مراسم پیدا کرده ام. ملیکا، نوه دیگر خانواده و دختر سیمیه خانم، نیز از هفت سالگی در پذیرایی روضه حضور دارد. او که تجربه پیاده روی اربعین را هم دارد، می گوید: در کربلا بیشتر از همیشه عظمت ایثار امام حسین^(ع) را درک کردم. هر سال تلاش می کنم حتی اگر درس و دانشگاه داشته باشم، خودم را به این مجلس برسانم و بتوانم درسی از این مجلس بیاموزم.

آشنایی با ائمه^(ع) همراه با بازی

یکی از بخش های متفاوت این مجلس، اتاق کوچکی است که نوه های خانواده آن را به فضای ویژه کودکان تبدیل کرده اند. اینجا خبری از بی حوصلگی بچه ها نیست؛ قصه، کتاب، نقاشی، رنگ آمیزی و مسابقه، ساعت های مراسم را برای آن ها شیرین می کند. مهسا، نوه کوچک خانواده، می گوید: دو سال پیش دیدیم سروصدای بچه ها گاهی تمرکز مادرها را به هم می زند. پیشنهاد دادیم یک اتاق را برای کودکان آماده کنیم. مادر بزرگ هم استقبال کرد و حالا هر روز برنامه های فرهنگی و سرگرمی برای بچه ها داریم. این ابتکار باعث شده است مادرها با آرامش بیشتری در مراسم شرکت کنند و کودکان هم در حین بازی با فضای روضه و نام اهل بیت^(ع) آشنا شوند.

برکت خانه با روضه

از آن روز تا امروز چراغ این مجلس خاموش نشده است. اوایل پنج روز اول دهه محرم بود، ولی حالا سال هاست که ۱۰ روز در دهه سوم و روز شهادت امام رضا^(ع) روضه داریم.

زهرا خانم سهم همسرش را در ماندگاری این مجلس کمتر از خودش نمی داند. حسن محمدزاده نزدیک به سی سال آشپز و سرآشپز هتل بوده و پس از بازنشستگی، مانند پدرش آشپزی هیئت ها را ادامه داده است. زهرا خانم می گوید: از همان سال های اول، همسرم پخت نذری روز آخر روضه را بر عهده گرفت. سال ها شله زرد می پختیم، اما چند سالی است به پیشنهاد همسایه ها دیگچه درست می کنیم. بیشتر کارهای نذری را حسن آقا انجام می دهد. حسن آقا دلیل این نذر را یاد برادر شهیدش می داند و تعریف می کند: نذری را به نیت برادرم محمد می پزم که در عملیات مرصاد به شهادت رسید و خدا را شکر می کنم که توفیق خدمت به عزاداران امام حسین^(ع) را نصیبم کرده است.

زهرا خانم هم باور دارد برکت زندگی شان از همین مجلس است. او می گوید: هر وقت مشکلی داشته ایم، باتوسل به اهل بیت^(ع) گره ها باز شده است. روضه برای ما فقط یک مراسم نیست؛ برکت خانه و زندگی مان است.

فرزندان، میراث دار روضه

چند روز مانده به آغاز محرم، دختری که یکی به خانه مادر می آیند تا مقدمات مراسم را فراهم کنند. تکانی، آماده کردن سماورها، مرتب کردن استکان ها؛ هر کدام مسئولیتی دارند و کارها را بین هم تقسیم کرده اند.

حمیده، دختر بزرگ خانواده، می گوید: از وقتی خودم را شناختم، در روضه بوده ام. از حدود هفت سالگی هم کمک کردن را شروع کردم. هر سال از چند روز پیش از محرم به خانه مادر می آیم تا اونگرانی نداشته باشد. خدمت در این مجلس برایم افتخار است و آن را دوست دارم. سیمیه، دختر دیگر خانواده که مشغول نصب کردن پرده است،



انسیه حیدرزاده هر سال با راه اندازی کاروان تجربه های شخصی خود از پیاده روی اربعین را با زائران سهیم می شود

حلاوت خدمت در جاده های کربلا

سندوق
خاطرات

حالا طی این سال ها جواب آن سؤالم را پیدا کرده ام. وقتی عاشق باشی، سختی و خستگی و مشکل بی معناست. من در این سفر آدم هایی را می بینم که با وجود معلولیت خودشان را روی زمین می کشند تا به کربلا برسند، و مردمانی که همه وجودشان را وقف زائران کرده اند.

حین گفت و گو، لبخند از چهره اش محو می شود و صدایش با بغض همراه می شود و می گوید: نکته مهم این است که همه در این راه چشمشان به جز امام حسین (ع) کس دیگری را نمی بیند. برای همین آدم ها کنار هم احساس امنیت می کنند.

● سختی مسیر هم لذت بخش است

اربعین امسال با نگرانی هایی همراه بود. جنگ تحمیلی و حملات به جنوب کشور، برای بعضی ها دغدغه ایجاد کرده بود. اما این نگرانی ها نتوانست تصمیم زائران اربعین را تغییر دهد. انسیه خانم می گوید: وقتی زمان مرگ فرا برسد، فرقی نمی کند کجا باشی؛ در خانه یا در مسیر کربلا.

او در کنار این سختی ها، از مهمان نوازی مردم عراق نیز با احترام یاد می کند و می گوید: امسال هم عراقی ها سنگ تمام گذاشتند؛ هم از نظر تنوع و فراوانی غذا و هم از نظر محبت. اما چیزی که بیشتر از همه برایم ارزش داشت، این بود که می دیدم رئیس یک عشیره خودش ایستاده است و از زائران پذیرایی می کند. این صحنه ها نشان می دهد خدمت به زائر امام حسین (ع) برای آن ها افتخار است.

سفری که برایم حال و هوایی متفاوت داشت. تصاویر رهبر شهید و شهیدای جنگ تحمیلی سوم در موبک ها، پرچم های ایران و حضور پرشور مردم، فضای اربعین را متفاوت کرده بود؛ جوری که انگار اجتماعات شبانه ای که در ایران داشتیم هم در اینجا راه افتاده بود.

● عشق خستگی ناپذیر در راه کربلا

همه این سفرها برای انسیه خانم خاطره است. او می خندد و می گوید: خاطرات اولین سفرم را فراموش نمی کنم. حالم خوب نبود. گیج در موبک نشسته بودم. می دیدم خادمان آنجا یکسره کار می کنند. صبحانه و ناهار و شام می دادند. با خودم می گفتم چرا آشپز خسته نمی شود و این همه کار می کند؟ اما



صفائی اهر سال اربعین دلش برای نجف و کربلا تنگ می شود. انگار که یک حفره خالی در وجودش هست که فقط با قدم گذاشتن در این مسیر پر می شود. انسیه حیدرزاده، فعال فرهنگی مسجد سناباد، این روزها از سفر اربعین برگشته است. او حالا پس از هشت بار حضور در پیاده روی اربعین و پنج سال همراهی زائران در قالب کاروان، از تجربه ای می گوید که هر بار رنگ و بوی تازه ای پیدایم کند: تجربه ای که در آن خستگی، ترس و سختی، زیر سایه عشق به امام حسین (ع) رنگ می بازد و جای خود را به همدلی، ایثار و آرامش می دهد.

● دنیایی فراتر از شنیده ها

هفته سال پیش، زمانی که انسیه خانم فقط ۲۶ سال داشت، اولین بار راهی پیاده روی اربعین شد. پیش از آن، شنیدن سخنرانی های حجت الاسلام والمسلمین پناهیان در باره عظمت این مسیر، او را به پیاده روی اربعین ترغیب کرده بود. اما آنچه در جاده نجف تا کربلا دید، فراتر از همه شنیده هایش بود. حیدرزاده می گوید: همان سفر اول فهمیدم چرا این همه از پیاده روی اربعین می گویند. حال و هوایی داشت که در هیچ سفر دیگری تجربه نکرده بودم. او پس از چند بار حضور در این مراسم، تصمیم گرفت تجربه خود را با دیگران سهیم شود و از سال ۱۴۰۰ بار راه اندازی کاروان، پنج سال است که زائران را در این مسیر همراهی می کند. این ساکن محله سعدآباد تعریف می کند: امسال برای هشتمین بار به این سفر رفتم؛

دختران نوجوان با شرکت در پاتوق فرهنگ سرای حجاب تجربه متفاوتی از مطالعه گروهی را رقم می زنند

نقش آفرینی برای فهم بهتر کتاب



عیدگاه

برایم جذاب بود. چون تا حالا کتابی نخوانده بودم که هنگام مطالعه از من بخواهد کلمات را تغییر بدهم یا برای حل چالش هایش فکر کنم. در بخش دیگری از برنامه، بچه ها ماسک شخصیت های داستان را بر صورت می گذارند و خود را جای آن ها تصور می کنند. این نقش آفرینی، فضای کتاب را برایشان ملموس تر می کند و ارتباط بیشتری با داستان برقرار می کنند.

● پاتوقی برای دوستی با کتاب

فائزه چشمه سنگی، مدیر فرهنگ سرای حجاب، هدف از برگزاری این پاتوق را آشنایی کودکان و نوجوانان با کتاب و فضای کتابخانه بیان می کند و می گوید: این برنامه برای دختران ۹ تا ۱۳ سال طراحی شده است تا با کتاب خوانی انس بگیرند و به سراغ کتاب های مناسب گروه سنی خود بروند. تلاش می کنیم پاتوق خوانش کتاب را به صورت هفتگی در فرهنگ سرای حجاب ادامه دهیم و کنار آن برای علاقه مندان نمایشگاه کوچکی از کتاب راه می اندازیم تا بتوانند از انتشارات مدنظرشان خرید کنند.

خیالی «چیزی» مبتلا شده است و هنگام صحبت مدام از واژه «چیز» استفاده می کند. شرکت کنندگان باید با پیدا کردن واژه های درست، به شخصیت داستان کمک کنند. اجرای پانتومیم با اصطلاحات کتاب و استفاده از واژه های مناسب به جای «چیز» نیز از بخش های جذاب این برنامه است. به گفته جابری، مجموعه «دهه نودی ها» در چند جلد برای این گروه سنی نوشته شده و قرار است به زودی پاتوق های دخترانه دیگری نیز براساس این کتاب برگزار شود. هم زمان نمایشگاهی از کتاب های این انتشارات و آثار مناسب نوجوانان نیز در فرهنگ سرای برپا شده است.

● چالشی متفاوت برای کتاب خوان ها

آنتن تری سیزده ساله که پیش از این کتاب «دهه نودی ها» را خوانده است، می گوید: اولین بار در اجتماع شبانه محله ایثارگران با این کتاب آشنا شدم. تصویر روی جلد تو جهم را جلب کرد. او ادامه می دهد: این کتاب باعث می شود بیشتر مطالعه کنیم و درباره محیط اطرافمان آگاهی داشته باشیم. دایره واژگانمان هم گسترده تر می شود. بعد از خواندن کتاب، آن را به دوستانم معرفی کردم و با هم چالش هایش را حل کردیم. نگار کاخکی دوازده ساله هم به علاقه اش به کتاب اشاره می کند و می گوید: کتاب خواندن به من آرامش می دهد. شرکت در این برنامه

صدرا صدای خنده و گفت و گوز میان قفسه های کتابخانه به گوش می رسد. دختران نوجوان دور میز وسط کتابخانه جمع شده اند و با کمک هم چالش کتابی را حل می کنند که با هم خوانده اند. یکی باید به جای واژه «چیز» کلمه مناسب پیدا کند. دیگری با پانتومیم، شخصیت های کتاب را معرفی می کند و چند نفر هم برای پاسخ دادن به سؤال های داستان با هم فکر می کنند. اینجا خبری از کلاس های معمول کتاب خوانی نیست؛ کتاب، بهانه ای برای بازی، گفت و گو و کشف دنیای واژه ها شده است. کتابخانه فرهنگ سرای حجاب هفته گذشته میزبان پاتوق خوانش کتاب ویژه دختران ۹ تا ۱۳ سال بود؛ برنامه ای که با همکاری انتشارات لیبیک برگزار شد و تلاش داشت کتاب خوانی را از یک فعالیت فردی به تجربه ای گروهی و هیجان انگیز تبدیل کند. در این برنامه، شرکت کنندگان بخشی از کتاب «دهه نودی ها» را خواندند و هم زمان با شخصیت های داستان همراه شدند.

● از پانتومیم تا مبارزه با «چیزی»

زهرآجایی، از نویسندگان انتشارات لیبیک، درباره این شیوه خوانش می گوید: هدف ما فقط معرفی کتاب نیست. بخشی از داستان را می خوانیم تا بچه ها با فضای آن آشنا شوند و بعد در قالب بازی و فعالیت های گروهی، چالش های کتاب را حل کنند. او توضیح می دهد: یکی از شخصیت های داستان به بیماری

زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین^(ع)، هدایت، ایتارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمزقند، آیت...، عبادی، شهیدفرامرز عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه قند، عبدالمطلب، شفا، شهیدمطهری، عامل، حسین یاشی، کاشانی

احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب الزمان^(ع)، سعدآباد، شهیدکلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر

محلات منطقه‌ها

پرچم‌داران چهارراه احمدآباد شب متفاوتی را رقم زدند

سه هزارمین ساعت پرچم



میان آن‌ها را محکم‌تر می‌کند. همچنین رهگذران را با این آیین آشنا می‌سازد.

ساعت پرچم داری، هزار شاخه گل اهدا کردیم. ساعت دو هزارم، برنامه ویژه‌ای نداشتیم، اما برای سه هزارمین ساعت با مشورت مخاطبان، یک برنامه مشارکتی برگزار شد. هدف ما این بود که در کنار استمرار پرچم داری، روایت این حرکت مردمی را نیز به مخاطبان منتقل کنیم. به همین دلیل هنگام پذیرایی، خادمان تنها یک جمله می‌گفتند: «سه هزارمین ساعت برافراشته شدن پرچم است.»

مسعود نبی دوست ادامه می‌دهد: اصل ایده، یادآوری فرهنگ بخشیدن و پذیرایی بود؛ رسمی که ریشه در فرهنگ ما دارد. زیبایی ماجرا آنجا بود که مردم خودشان دست به کار شدند؛ یکی از باغش میوه آورد، دیگری در خانه خوراکی تهیه کرد. انجام چنین کارهایی به تنهایی دشوار است، اما این برنامه‌های جمعی، گاهی پرچم‌داران را کنار هم جمع و پیوند

صفائی | جمعه هفته گذشته سه هزارمین ساعت پرچم چهارراه احمدآباد گذشت؛ پرچمی که در ۳ هزار ساعت یا بهتر است بگوییم ۱۲۵ روز توسط عاشقان وطن در خیابان احمدآباد برافراشته شده است.

حال و هوای آن شب چهارراه فرق داشت. برای پرچم‌داران قراری تازه در کار بود؛ قراری که از دل یک پیام گذاشته شده بود. برای ثبت این نقطه عطف، پرچم‌داران برنامه‌ای متفاوت تدارک دیدند. چند روز پیش از این مناسبت، تنها یک پیام با عنوان پذیرایی «ساعت سه هزارم» منتشر شد؛ پیشنهادی که با استقبال خادمان پرچم روبه‌رو شد. هرکس به اندازه توان خود سهمی برعهده گرفت و با تهیه خوراکی‌های ساده، در این برنامه مشارکت کرد.

یکی از خادمان پرچم، درباره این رویداد می‌گوید: در هزارمین

محله به روایت شما



روز اربعین بچه‌های مسجد چهارده معصوم^(ع) در موکب چهارده معصوم^(ع) در خیابان شهیدقرنی با همه توان پای کار آمدند تا با توزیع شربت و عدسی از عاشقان اهل بیت^(ع) و جاماندگان اربعین پذیرایی کنند. حال و هوای این مسیر همیشه سرشار از عشق، همدلی و ارادت است و خوش حالیم که سهم کوچکی در این میزبانی داشتیم.

تصویر و متن از احسان غلامی، فعال فرهنگی محله قدس



هم‌زمان با روز اربعین، همراه بانوان و کودکان محله اسماعیل آباد، از خیام ۷۲ تا حرم مطهر رضوی را پیاده رفتیم تا به محضر امام مهربانی‌ها برسیم و عرض تسلیت بگوییم.

تصویر و متن از اعظم صبوچی، عضو شورای اجتماعی محله



سی سال است که وقتی اربعین از راه می‌رسد، سفره عزای امام حسین^(ع) در خانه ما برای بانوان پهن می‌شود و میزبان دل‌سوختگان و عزاداران ایشان هستیم. در این مراسم از عزاداران پذیرایی می‌کنیم، اما امسال روز اربعین در کنار پذیرایی پرچم حضرت ابوالفضل^(ع) را به مجلس آوردیم.

تصویر و متن از زینب‌السادات کلالی، ساکن محله احمدآباد